

## بررسی قدمت احادیث دوازده امام در الکافی\*

[رضا قربانی زرین<sup>۱</sup>]

### چکیده

ثقة الاسلام کلینی، بیست حدیث را با مضمون وجود دوازده امام پس از پیامبر ﷺ در «بَابُ مَا جَاءَ فِي الْإِثْنِي عَشْرِ النَّصِّ عَلَيْهِم» کتاب الکافی نقل کرده است. این اخبار از سوی برخی از معاصران مورد اشکال قرار گرفته و با تردید روبه روبرو شده است. مقاله حاضر نخست رابطه این باب در الکافی را با روایات مشابه در کتاب الغیبة نعمانی سنجیده و سپس با بررسی روایانی که به علت حضور آن‌ها، این روایات تضعیف شده‌اند، نشان می‌دهد که با توجه به قرائنی مانند طبقه این روایان بیشتر این روایات پیش از آغاز غیبت ضبط شده‌اند؛ از این روحتی در فرض پذیرش این روایان یا تعلق آنان به فرق دیگر مانند واقفیه، نمی‌توان محتوای روایات آن‌ها را باطل دانسته و به جعلی بودن آن‌ها حکم نمود.

**کلیدواژه‌ها:** احادیث دوازده امام، ائمه اثنا عشر، کافی، کلینی، نعمانی، واقفه.

\* تاریخ دریافت: ۹۳/۵/۷، تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۰/۱۹.

۱. دکتری علوم قرآن و حدیث از دانشگاه تهران ghorbaniz@yahoo.com

## مقدمه

اخبار دوازده امام، از جمله مشهورات احادیث اسلامی است. در مصادر روایی امامیه نیز روایاتی نقل شده که تعداد امامان علیهم‌السلام را تعیین نموده است. تعدادی از این روایات، تنها وجود دوازده امام پس از پیامبر را بشارت می‌دهد. در تعدادی از این روایات، افزون بر تعداد امامان، نام برخی از آن‌ها یا تکرار نام‌هایی خاص، چون محمد یا علی، بیان شده است. برخی دیگر از این روایات نیز نام امامان را به صورت کامل نقل کرده‌اند.

یکی از مصادر مهمی که تعدادی از این روایات را در خویش جای داده، کتاب *الکافی* تألیف مرحوم محمد بن یعقوب کلینی است. جناب کلینی در انتهای کتاب *الحجّة الکافی* و ذیل *أبواب التاریخ*، پس از ابواب مربوط به زندگی هر یک از معصومان علیهم‌السلام، بابی با عنوان «ما جاء فی الأئمة عشر و النص علیهم» گشوده و در آن ۲۰ روایت را از منابع متقدم پیش از خویش گرد هم آورده است.

این روایات از سوی برخی معاصران، با تردید و انکارهای فراوانی روبرو شده‌اند؛ بعضی اساساً اصالت این روایات را مورد تردید قرار داده و از الحاق پسینی این روایات به *الکافی* سخن به میان آورده‌اند؛ برخی دیگر نیز نقل این اخبار را در *الکافی* مفروض گرفته اما با تضعیف سند این روایات یا نشان دادن مشکلات متنی آن‌ها، سعی نموده‌اند جعلی بودن آن‌ها را به اثبات رسانند.<sup>۲</sup>

## ۱- تبیین مسئله

دلیل عمده‌ای که برای طرح انگاره عدم انتساب این اخبار به کتاب مرحوم کلینی مطرح شده، عدم نقل بخش عمده این اخبار توسط محمد بن ابراهیم نعمانی در کتاب *الغیبة* است.<sup>۳</sup> طبق نظر اشکال‌کننده، نعمانی به کتاب *الکافی* دسترسی

۱. مدرسی طباطبایی، سید حسین، مکتب در فرآیند تکامل، ۱۵۵.

۲. به عنوان نمونه رک: سلطانی، محمد علی، تأملی در باب حجّت اصول *الکافی*، سرتاسر.

۳. نعمانی در کتاب *الغیبة* در باب «ما روی فی أن الأئمة اثنا عشر إماماً وأنهم من الله وباختیاره»،

داشته و آن‌گونه که از کتاب وی برمی‌آید، او به جمع اخبار دوازده امام نیز اهتمام داشته است؛ برطبق آنچه یکی از استنساخ‌کنندگان این کتاب می‌نویسد، نعمانی بعد از اتمام نگارش کتاب و استنساخ آن، دو حدیث با مضمون دوازده امام را به باب مربوطه افزود.<sup>۱</sup> وی ۱۶ حدیث از ۲۰ حدیث الکافی را در این باب نیاورده و تنها چهار حدیث را نقل کرده است. با توجه به این‌که نعمانی برای طریق کلینی ارجحیت نیز قائل بوده است<sup>۲</sup>، عدم نقل این اخبار در کتاب الغیبه نتیجه‌ای نخواهد داشت جز این‌که در نسخه‌ای که او از الکافی در اختیار داشته، این احادیث وجود نداشته است؛ بنابراین چاره‌ای نیست جز این‌که گفته شود اخبار یادشده بعداً به کتاب مرحوم کلینی ملحق شده‌اند.<sup>۳</sup>

از سوی دیگر برخی معاصرین با طرح این سؤال قدیمی<sup>۴</sup> که «اگر نام و شمارِ معصومان علیهم‌السلام معلوم و مشخص بوده، چرا این همه اختلاف و تشتت در آراء و عقاید به وجود آمده است؟»، به بررسی اسانید و متون بیست روایت یادشده پرداخته و چنین نتیجه گرفته‌اند:

روایاتی که مرحوم کلینی، دربارهٔ مشخص بودن نام امامان معصوم علیهم‌السلام در

روایات ۳، ۲۵، ۲۶ و ۲۷ را از جناب کلینی و در تناظر با روایات ۴، ۱۱، ۱۵ و ۱۹ از باب مورد بحث در الکافی آورده است. همچنین روایت چهارم باب خود را نیز از کلینی البته در تناظر با روایتی از باب فی الغیبه الکافی (۱/ ۳۳۸ ح ۷) آورده است.

۱. «وقال أبو الحسن الشجاعی علیه‌السلام: هذان الحدیثان مما استدرکهما أبو عبدالله علیه‌السلام بعد فراغه و نسخی الكتاب» (نعمانی، محمد بن ابراهیم، کتاب الغیبه، ۹۷).

۲. دلیل اشکال‌کننده بر این مدعا، روایتی است که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

۳. مدرسی طباطبایی، سید حسین، همان، ۱۴۴.

۴. این شبهه، پیشینه‌ای طولانی دارد؛ شیخ صدوق به این شبهه که توسط زیدیان مطرح می‌شده اشاره کرده و آن را چنین پاسخ داده است: «قالت الزیدیه: فان كان رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قد عرف أمته أسماء الأئمة الاثني عشر، فلم ذهبوا عنه مینا و شمالا و خطبوا هذا الخطب العظيم؛ فقلنا لهم: إنكم تقولون أن رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم استخلف علیا علیه‌السلام و جعله الإمام بعده و نصّ علیه و أشار إليه و بین أمره و شهره، فما بال أكثر الأمة ذهبت عنه...؟!» (ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ۶۸/۱). در ادامهٔ مقاله، در این باره سخن خواهیم گفت.

«بَابُ مَا جَاءَ فِي الْإِثْنِي عَشَرَ وَالتَّصِّصِ عَلَيْهِمْ» آورده، قابل خدشه هستند. تنها یک روایت از بین آن‌ها - که همان روایت پانزدهم باشد - قابل اعتماد است. با قطع نظر از روایاتی که در جاهای دیگر آمده و در این بحث به آن‌ها پرداخته نشده است، به احتمال بسیار قوی، شمار و نام امامان عليهم السلام، دست‌کم برای عموم شیعیان، مشخص نبوده است...<sup>۱</sup>

از دیدگاه این افراد، چون دانشمندان رجال امامیه، بعضی از روایان این احادیث را افرادی غیرثقه یا غیرامامی به شمار آورده‌اند، نقل این اخبار توسط پیشینیان کلینی مورد تردید است؛ از این رو به این اخبار نمی‌توان اعتنا و اعتماد کرد.

این شبهات را می‌توان در راستای تئوری برخی محققین غربی دانست که تمامی روایات شیعی مبنی بر وجود دوازده امام را مولود تحولات پس از غیبت صغرا دانسته و معتقدند شیعیان تا قبل از قرن سوم، هیچ روایتی را در این باب روایت نکرده‌اند و منابع پیش از غیبت صغرا را به کلی نسبت به موضوع دوازده امام، ساکت می‌دانند.<sup>۲</sup> این قبیل تردیدها هرچند خاستگاه‌هایی متفاوت دارد، اما همگی بر جعلی بودن روایات دوازده امام که در کتاب‌های متقدم شیعی موجودند، اصرار دارند.

در مقابل، برخی محققین نیز ادله این اشکالات را ناکافی قلمداد کرده و آن‌ها را بی‌مبنا دانسته‌اند.<sup>۳</sup> در بین محققان شیعه، به صورت خاص می‌توان از سیدنا هاشم العمیدی یاد کرد که با بررسی اسناد برخی روایات متهم به ضعف، نشان داده است که ضعف این روایات به قبل از دوران غیبت بازمی‌گردد و از این منظر به تردیدهای مزبور پاسخ گفته است<sup>۴</sup>؛ شیوه‌ای که در مقاله حاضر نیز پی گرفته

۱. سلطانی، محمد علی، همان، ۳۱.

۲. برای نمونه رک: کلبرگ، اتان، از امامیه تا اثناعشریه، ترجمه محسن الویری، دین و ارتباطات، ۲۰۳/۲.

۳. برای نمونه رک: الویری، محسن، نقد نظریه‌ای در پیدایش شیعه اثناعشری، دین و ارتباطات، ۸۶-۵۱/۲.

۴. العمیدی، سید هاشم ثامر، المهدي المنتظر في الفكر الاسلامي، ۹۹ و ۱۰۰.

شده است. همچنین آندره نیومن از محققان غربی نیز تلویحاً نظریه کسانی که این اخبار را ساختگی قلمداد کرده‌اند، مردود دانسته و با توجه به اسناد این اخبار در مصادر روایی تألیف شده پس از غیبت، تأکید می‌کند که این اسناد، خود نشانگر قدمت این اخبار و تعلق آن‌ها به دوران پیش از غیبت است.<sup>۱</sup> مقاله حاضر نیز به بررسی اشکالات وارد بر باب «مَا جَاءَ فِي الْإِثْنِي عَشَرَ وَالنَّصِّ عَلَيْهِم» پرداخته که وجه تمایز آن با پژوهش‌های یادشده، در بررسی تفصیلی تمامی احادیث باب و تلاش برای منبع‌یابی برخی از آن‌ها است تا از خلال این بررسی، پیشینه هر کدام از این اخبار و قدمت آن‌ها مشخص شود.

مقاله درگام نخست، انگاره الحاقی بودن این اخبار را مورد بررسی قرار می‌دهد تا معلوم شود که آیا انتساب این اخبار به کلینی محرز است یا خیر؟ درگام بعد، با بررسی تحلیلی اسناد و طرق این اخبار، انگاره جعل آن‌ها پیش از کلینی را مورد قضاوت قرار می‌دهد.

## ۲- نقد و بررسی

### ۲-۱- ادعای الحاقی بودن این اخبار به الکافی با توجه به عدم نقل نعمانی

همان‌طور که اشاره شد، فرضیه الحاقی بودن این اخبار به الکافی، تنها متکی بر عدم نقل نعمانی است. در پاسخ به این مدعا، جوابی درخور از سوی سید محمدجواد شبیری ارائه شده که به تفصیل، تمامی دلایل اشکال‌کننده را بررسی و رد کرده است.<sup>۲</sup> اجمالاً باید گفت فرضیه اشکال‌کننده تنها در صورتی صحیح است که هیچ دلیل دیگری بر عدم نقل نعمانی جز آنچه اشکال‌کننده ادعا کرده است، قابل تصور نباشد. در حالی که شواهد مهم و متقنی در دست است که نشان می‌دهد عدم نقل نعمانی، دلیل یا دلایل قابل توجه دیگری داشته است که مهم‌ترین آن‌ها احتمال عدم

۱. نیومن، آندره، دوره شکل‌گیری تشیع دوازده امامی، ۳۷۳.

۲. شبیری، سید محمدجواد، الکاتب النعمانی و کتابه الغیبیه، علوم حدیث، ۳/ ۲۳۳ - ۲۳۷. آنچه در ادامه می‌آید تا حد زیادی منطبق بر محتوای مقاله یاد شده است.

دسترسی او به بخش مورد نظر از الکافی در هنگام تألیف کتاب الغیبه است. او خود در مقدمه کتاب تصریح کرده در هنگام نگارش کتاب، به بسیاری از آثار دسترسی نداشته است:

وقد جمعت فی هذا الكتاب ما وفق الله جمعه من الأحادیث التي رواها الشيوخ عن أمير المؤمنين والأئمة الصادقين ع في الغيبة وغيرها مما سبيله أن ينضاف إلى ما روى فيها بحسب ما حضر في الوقت إذ لم يحضرنی جميع ما رويته في ذلك لبعده عني وأن حفظي لم يشمل عليه والذي رواه الناس من ذلك أكثر وأعظم مما رويته ويصغر ويقل عنه ما عندي<sup>۱</sup>.

مقایسه‌ای تطبیقی بین احادیث ابواب مختلف کتاب الغیبه نعمانی با احادیث ابواب الکافی، نشان می‌دهد اکثر قریب به اتفاق اخبار مشترک بین این دو کتاب، از بخش‌هایی نزدیک به هم از کتاب الکافی گرفته شده است. این مطلب این فرضیه را تقویت می‌کند که شاید نعمانی در هنگام تألیف الغیبه، تنها به بخش‌هایی از کتاب الکافی دسترسی داشته و در نتیجه از سایر بخش‌های آن کتاب، روایات اندکی را نقل کرده است. از قضا باب «ما جاء فی الاثنی عشر» در کتاب الکافی، فاصله‌ای زیادی با باب‌های نزدیک به هم مذکور در الکافی دارد که می‌تواند توضیح‌دهنده علت عدم نقل نعمانی از این باب از الکافی باشد.

پرسشی که در اینجا قابل طرح است، وضعیت چهار حدیث مشترک بین روایات باب «ما جاء فی الاثنی عشر» الکافی و کتاب الغیبه نعمانی است. دقت در متن و سند این چهار حدیث نشان می‌دهد نمی‌توان به صورت قطعی گفت نعمانی این چهار حدیث را از الکافی برگرفته است. متن، سند و یا متن و سند سه روایت از این چهار روایت، در الکافی و کتاب الغیبه متفاوت است؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت به احتمال زیاد، نعمانی آن‌ها را از الکافی اخذ نکرده باشد<sup>۲</sup>. این دو کتاب، فقط در یک حدیث از این

۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم، همان، ۲۹.

۲. شبیری، سید محمد جواد، همان، ۲۲۸.

چهار روایت، دارای متن و سندی مشابه هستند. در مورد آن یک حدیث نیز دلیلی در دست نیست که بتوان ادعا کرد الزاماً از کتاب الکافی برگرفته شده است. در مقابل، احادیثی نیز در غیبت نعمانی وجود دارند که در سند آنها، نام کلینی آمده است، ولی در الکافی بدان شکل نقل نشده‌اند؛ بنابراین می‌توان گفت احتمالاً نعمانی این روایات را از کتاب دیگر مرحوم کلینی که در آن زمان در اختیار داشته، نقل کرده است؛ نیز ممکن است آن روایات را به صورت شفاهی از مرحوم کلینی شنیده باشد؛ همچنین احتمال دارد نعمانی، با تکیه بر حافظه‌اش، آن‌ها را از الکافی نقل کرده باشد. پیدا است که هر سه فرض، با عدم دسترسی نعمانی به بخش مورد نظر از کتاب الکافی، سازگاری دارند.

علاوه بر آنچه گفته شد، جا دارد دو نکته حاشیه‌ای از ادله اشکال‌کننده نیز به صورت ویژه مورد بررسی قرار گیرد.

## ۲-۲- ادعای ارجحیت طریق کلینی نزد نعمانی

این ادعا، تنها متکی به گزارش زیر است:

أخبرنا محمد بن يعقوب عن علي بن محمد عن سهل بن زياد عن محمد بن الحسن بن شمون عن عبد الله بن عبد الرحمن الأصبغ عن كرام قال: ... و جاء في غير رواية محمد بن يعقوب الكليني، بهذا أنتصر منهم ولو بعد حين<sup>۱</sup>.

استنتاج اهمیت یا اولویت نقل طریق کلینی نزد نعمانی از این گزارش، بسیار عجیب است! مطابق با این گزارش، نعمانی ابتدا طریق منقول از کلینی را آورده و در انتهای روایت بیان کرده است که این حدیث از غیر طریق کلینی به شکل دیگری نقل شده است. مشخص نیست که این روایت از غیر طریق کلینی که نعمانی به آن اشاره کرده، با چه سندی و از چه طریقی در اختیار او قرار گرفته و اعتبار آن در چه حدی بوده است.

۱. همان، ۲۲۹.

۲. نعمانی، محمد بن ابراهیم، همان، ۹۴ و ۹۵.

چه بسا نقلی مرسل یا نظایر آن بوده و اعتباری برای ترجیح بر نقل کلینی نداشته است. افزودن چنین مطالب و اختلاف متن‌ها، در نگاشته‌های روایی بسیار مرسوم بوده و استنتاج «اهمیت یا اولویت نقل» از آن‌ها بسیار عجیب است.

افزون بر آن که مراجعه به دیگر اسانید نعمانی در کتاب الغیبة مشخص می‌کند که در اکثریت قریب به اتفاق موارد نقل موازی از کلینی و دیگر مشایخ نعمانی، طریق کلینی به عنوان طریق دوم و ذیل سایر طرق آورده شده است.<sup>۱</sup> به این ترتیب، ادعای ترجیح روایات کلینی بر سایر روایات نزد نعمانی، محل اشکال است.

## ۲-۳- ادعای اهتمام نعمانی به جمع‌آوری تمامی اخبار باب

آیا دو حدیثی که نعمانی به صورت استدراک‌ی و پس از اتمام نگارش کتاب، به باب مورد نظر افزوده است، مطابق دیدگاه اشکال‌کننده، نشان‌دهنده اهتمام او به جمع‌آوری تمامی اخبار مرتبط با آن باب بوده است؟

در پاسخ باید متذکر شد که هیچ شاهی برای تلاش نعمانی برای جمع‌آوری تمامی روایات مرتبط با این موضوع در دست نیست؛ به ویژه آنکه نعمانی خود به این مطلب تصریح می‌کند که فقط برخی از روایات دوازده امام را آورده است:

وَإِنَّمَا أوردنا بعض ما اشتمل علیه الكتاب وغيره من وَصَف رسول الله ﷺ

۱. موارد تقدم طریق موازی نعمانی از سایر مشایخش که هم طبقه کلینی بوده‌اند، بر طریق کلینی، در الغیبة به این شرح است:

عبدالواحد بن عبدالله، ص ۱۱۴، ح ۸؛ سلامة بن محمد، ص ۱۳۴-۱۳۵، ح ۱۸، ص ۱۴۹-۱۵۰، ح ۶؛ أحمد بن إدريس ومحمد بن یحیی، ص ۱۳۹-۱۴۰، ح ۲؛ علی بن أحمد، ص ۱۶۳-۱۶۴، ح ۴؛ علی بن حسین، ص ۲۰۴-۲۰۵، ح ۷؛ محمد بن همام، ص ۱۵۲-۱۵۳، ح ۱۰، ص ۱۵۹-۱۶۰، ح ۷، ص ۱۶۶-۱۶۷، ح ۶، ص ۱۶۷-۱۶۸، ح ۷، ص ۱۶۹، ح ۱۱، ص ۱۷۶، ح ۱۷؛ ابن عقدة، ص ۱۳۶-۱۳۷، ح ۲، ص ۱۵۸، ح ۳، ص ۱۷۷، ح ۲۱، ص ۲۰۸-۲۰۹، ح ۱۶ و ص ۲۷۹، ح ۶۷. در مقابل، تنها در یک مورد، طریق کلینی بر طریقی از عبدالواحد بن عبدالله مقدم داشته شده است (ص ۲۷۹، ح ۶۷). در روایت مورد استناد مستشکل نیز، همان‌گونه که گفته شد، اصلاً طریق یا شیخ موازی، مجهول بوده و ذکر نشده است.



الأئمة الاثني عشر و دلالته عليهم و تكريره ستائش عَدَّتْهم<sup>۱</sup>.

مطابق با سند این دو روایت، این روایات از آن ابن عقده است. أحمد بن محمد بن سعید بن عقده، شخصیتی زیدی مذهب و جارودی بوده است که از منظر نعمانی و مخاطبانش، نمی توانسته انگیزه‌ای در جعل احتمالی احادیث دوازده امام، پس از آغاز غیبت داشته باشد. از دیگر سو، وی از محدثان بزرگ بوده که روایات تمامی مذاهب اسلامی را روایت می کرده و مورد اعتماد سنی و شیعه بوده است. از این رو نقل از ابن عقده درباره دوازده امام، نزد نعمانی اهمیت ویژه‌ای می توانست داشته باشد. به ویژه آن که این استدراک، در محیط حلب به سال ۳۴۲ صورت پذیرفته است؛ یعنی زمانی که کمتر از ده سال از آغاز حکومت حمدانیان بر این دیار می گذشته است و تشیع آن محیط، چندان پایدار و مستحکم نبوده است.

بنابراین اضافه کردن دو حدیث مورد اشاره به باب یاد شده، شاید مبتنی بر این ویژگی خاص ناقل آن‌ها، یعنی ابن عقده، باشد؛ نه الزاماً از جهت اهتمام نعمانی به گردآوری تمامی اخبار در این زمینه.

### ۳- بررسی اسناد روایات الکافی در باب یاد شده

از آنچه گفته شد می توان نتیجه گرفت انگاره الحاقی بودن اخبار دوازده امام در الکافی مبتنی بر عدم نقل نعمانی، پشتوانه قابل اعتنایی ندارد. با روشن شدن این مطلب، در ادامه به بررسی اسناد ۲۰ حدیث منقول در الکافی می پردازیم.

روایات باب «مَا جَاءَ فِي الْإِثْنِي عَشَرَ النَّصِّ عَلَيْهِم» را بر اساس مدلول آن‌ها، می توان در سه دسته کلی جای داد:

دسته اول: روایات بیان کننده تعداد امامان عَلَيْهِمُ السَّلَام

۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم، همان، ۱۰۲.

۲. قال: حدثنا أبو عبدالله محمد بن إبراهيم النعماني بحلب وفي نسخة: ... قال: حدثني محمد بن إبراهيم أبو عبدالله النعماني رحمه الله تعالى في ذي الحجة سنة اثنتين وأربعين وثلاثمائة (نعمانی، محمد بن ابراهیم، همان، ۱۸)

دسته دوم: روایات بیان‌کننده تعداد و نام اجمالی امامان علیهم‌السلام  
دسته سوم: روایات بیان‌کننده تعداد و نام تفصیلی امامان علیهم‌السلام

### ۳-۱- روایات بیان‌کننده تعداد امامان علیهم‌السلام

این دسته از اخبار را بر مبنای سند، می‌توان در زیر دسته‌هایی بدین شرح تقسیم نمود:  
- روایات برگرفته از کتاب أبوسعید عصفوری: احادیث ۶، ۱۷ و ۱۸؛  
- روایات برگرفته از کتاب إنا أنزلناه: احادیث ۱۱، ۱۲ و ۱۳؛  
- روایات برگرفته از زراره: احادیث ۷، ۱۴ و ۱۶؛  
- روایات برگرفته از أبوبصیر: احادیث ۱۵ و ۲۰؛  
- سایر روایات: احادیث ۵، ۸، ۱۰ و ۱۹.

پیش از ورود به بررسی هر کدام از این زیر دسته‌ها، باید این نکته مهم را یادآور شویم که بدون تردید، مضمون کلی یادکرد امامان دوازده‌گانه، در مصادر حدیثی قرون نخستین اسلامی یافت می‌شده است. دلیل مهم این ادعا، وجود اخبار دوازده امام، در مصادر اهل سنت است که به تواتر و با الفاظ متفاوت و اسانید متعدد نقل شده است؛ بنابراین نقل همین محتوا در منابع غیر سنی، به هیچ عنوان پدیده‌ای دور از ذهن نیست. افزون بر آن باید توجه داشت نقل این اخبار، ملازمه‌ای با پیوستن به مکتب امامیه اثنا عشریه و باور به امامان دوازده‌گانه آن ندارد. به ویژه آن‌که در روزگار نقل این اخبار، یعنی در زمانی که هنوز دوازده امام پیاپی از نسل امام حسین علیه‌السلام تحقق خارجی نیافته بود، مشخص نبود که منظور از دوازده نفر، چه کسانی هستند و در چه دوره‌هایی خواهند بود. پس این تصور که نقل اخبار شمار امامان، می‌توانسته به خودی خود از تمام انحرافات پسین درون شیعی جلوگیری کند، تلقی صحیحی از طرز تفکر پیشینیان به نظر نمی‌رسد. روشن است که این تحلیل را نمی‌توان در مورد اخباری که حاوی اسامی تمامی امامان است، مطرح نمود.<sup>۱</sup>

۱. البته چنانکه خواهد آمد، اکثریت مطلق روایات این باب، حاوی اسامی امامان نیست.

### ۳-۱-۱- روایات برگرفته از کتاب ابوسعید عصفوری

سند این روایات بدین شرح است<sup>۱</sup>:

			۲۵۰.د	۱۷۲-۱۷۰.د	۱۵۰.د		
۶	مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى	مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ	أَبِي سَعِيدٍ الْعَصْفَرِيِّ	عَمْرُو بْنُ ثَابِتٍ	أَبِي حَمْرَةَ الْحُسَيْنِيِّ	عَلِيِّ بْنِ	
۱۷	۲*	*	*	*	أَبِي الْجَزُودِ	أَبِي جَعْفَرٍ	
۱۸	*	*	*	*	*	أَبِي جَعْفَرٍ	

این سه روایت، به احتمال قریب به یقین، از اصل ابوسعید عصفوری گرفته شده است.<sup>۴</sup> مراد از ابوسعید عصفوری، عباد بن یعقوب رواجنی است.<sup>۵</sup> عباد به سال ۲۵۰ از دنیا رفته است.<sup>۶</sup> بنابراین سال نگارش این اخبار بی هیچ تردیدی به قبل از دوران غیبت بازمی‌گردد. شیخ طوسی، عباد رواجنی را عامی خوانده است؛<sup>۷</sup> با این حال مصادر اهل تسنن نوعاً به رافضی بودن وی<sup>۸</sup> یا غالی بودن او در تشیع<sup>۹</sup>، اشاره

۱. لازم به ذکر است شناسایی راویان و برطرف کردن برخی تصحیفات، بر اساس تحقیق چاپ جدید الکافی (چاپ دارالحدیث) و نرم‌افزار درایة النور بوده است.

۲. علامت ستاره، نشان‌دهنده تکرار نام راوی در سند است.

۳. سند این حدیث، در الکافی این گونه ثبت شده است: «وَهَذَا الْإِسْنَادُ، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ رَفَعَهُ:

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: ...»؛ ما آن را با توجه به سند حدیث پیش از آن، بازسازی کردیم.

۴. عده ای از علما، الأصول الستة عشر، ۱۳۹ و ۱۴۰. علاوه بر این، مدرسی اکثر روایات این اصل (از جمله همین سه حدیث) را برگرفته از کتاب عمرو بن ثابت می‌داند. (مدرسی طباطبائی، سید حسین، میراث مکتوب، ۲۶۴-۲۶۵).

۵. نجاشی، احمد بن علی، رجال، ۲۹۳.

۶. ذهبی، محمد بن احمد، سیر أعلام النبلاء، ۵۳۸/۱۱؛ البته برخی سال وفات وی را ۲۰۵ ضبط کرده‌اند. (باجی، سلیمان بن خلف، التعلیل والتجریح، ۱۰۴۸/۳؛ ذهبی، محمد بن احمد، تذکرة الحفاظ، ۵۴۱/۲)

۷. طوسی، محمد بن حسن، فهرست، ۳۴۳.

۸. ابن حجر، احمد بن علی، تقریب التهذیب، ۴۶۹/۱ و ۴۷۰.

۹. باجی، سلیمان بن خلف، همان.

نموده‌اند.<sup>۱</sup> وی این روایات را از عمرو بن ثابت که بین سال‌های ۱۷۰ تا ۱۷۲ وفات یافته<sup>۲</sup>، روایت کرده است؛ بنابراین اگر وثاقت عباد محرز باشد<sup>۳</sup>، با اطمینان می‌توان گفت این آثار قبل از سال ۱۷۰ نقل شده‌اند. از دیگر سو، با توثیق عمرو بن ثابت<sup>۴</sup>، زمان نقل این روایات به قبل از سال ۱۵۰، یعنی سال وفات ابو حمزه ثمالی<sup>۵</sup>، بازمی‌گردد. بدین ترتیب، از لحاظ تاریخی، نقل این اخبار نمی‌توانسته بعد از روشن شدن باور شیعیان امامی به دوازده امام، یعنی پس از آغاز دوران غیبت، صورت گرفته باشد. حال باید پرسید به چه دلیلی باید آن‌ها چنین متنی را در دوران حضور امامان جعل کرده باشند؟!

روایت ششم، از شیخ صدوق با سندش از محمد بن یحیی<sup>۶</sup> نقل شده است. شیخ طوسی نیز روایت هفدهم را با سند خود از محمد بن أحمد بن یحیی<sup>۷</sup> آورده است. ولی روایت هجدهم، در دیگر مصادر مشهور امامی نیامده و تنها در برخی منابع، به صورت مرسل از امام باقر علیه السلام روایت شده است.<sup>۸</sup>

۱. لازم به ذکر است وجه جمع این دو نظر، در زیدی جارودی بودن اوست. این دیدگاه در برخی منابع جارودیان نیز بازتاب یافته است. (رک: ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، مقاتل الطالبيين، ۴۶۵). همچنین برخی معاصرین نیز این قول را اختیار کرده‌اند (کولبرگ، اتان، اصول اربعمائه، ۱۰۸). در صورت صحت این برداشت، می‌توان نقل متعدد از عباد را در این باب از الکافی، ناشی از رویکرد احتجاجی کلینی دانست که در نقل از ابوالجارود، بزرگ زیدیان جارودی، (حدیث ۹) و دو تن از بزرگان واقفه (حدیث ۷ و ۱۹) نیز هویدا است. این رویکرد در نقل‌های متعدد شاگرد او، نعمانی، از زیدیان مانند ابن عقده، نیز آشکار است. (رک: ادامه همین مقاله).

۲. ابن حبان، محمد، کتاب المجروحین، ۷۶/۲.

۳. خویی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، ۲۱۹/۹.

۴. همان، ۷۴/۱۳.

۵. نجاشی، احمد بن علی، همان، ۱۱۵.

۶. ابن بابویه، محمد بن علی، همان، ۳۱۸.

۷. طوسی، محمد بن حسن، الغیبة، ۱۳۸.

۸. ابوالصلاح حلبی، تقی بن نجم، تقریب المعارف، ۴۱۹.

### ۳-۱-۲- روایات برگرفته از کتاب *إنا أنزلناه*

این روایات، شامل احادیث ۱۱، ۱۲ و ۱۳ است:

امام جواد <small>علیه السلام</small>	اصحاب امام جواد <small>علیه السلام</small>	از اصحاب امام رضا <small>علیه السلام</small> زنده در ۲۷۴			
	الْحَسَنُ بْنُ الْعَبَّاسِ بْنِ الْحَرِيشِ	أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى	مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى	۱۱	
		از اصحاب امام جواد تا امام عسکری <small>علیه السلام</small>	۳۱۲.د		
		سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ	مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ		
	*	*	*	۱۲	
*۲	*	*	۱۳		

این سه روایت، به احتمال قوی از کتاب [ثواب] *إنا أنزلناه* تألیف حسن بن عباس بن حریش نقل شده است. أحمد بن محمد بن عیسی و أحمد بن محمد بن محمد برقی، راوی این کتاب بوده‌اند.<sup>۳</sup> در طبقات بعدی، ابن ولید نیز این کتاب را روایت کرده است.<sup>۴</sup> درباره حسن بن عباس بن حریش، اطلاعات زیادی در دست نیست؛ او را در شمار اصحاب امام جواد علیه السلام بر شمرده‌اند.<sup>۵</sup> البته مطابق با روایات حسن بن عباس در *بصائر الدرجات*، وی کتاب *إنا أنزلناه* را بر امام جواد علیه السلام عرضه نموده است. چنان چه از این مطلب بتوان چنین برداشت نمود که وی این کتاب را یافته، باید چنین

۱. طریق این روایت در *الکافی* این گونه است: «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ، عَنِ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعًا، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْعَبَّاسِ بْنِ الْحَرِيشِ، عَنِ أَبِي جَعْفَرِ الثَّانِي علیه السلام: ...»؛ ما آن را با توجه به تحویل سند، بازسازی کردیم.  
۲. طریق دور روایت ۱۲ و ۱۳ در *الکافی*، به ترتیب، این گونه است: «و بِهِذَا الْإِسْنَادِ، قَالَ: ...»؛ «و بِهِذَا الْإِسْنَادِ: ...».

۳. نجاشی، احمد بن علی، همان، ۶۱؛ طوسی، محمد بن حسن، فهرست، ۱۲۶.

۴. همان، ۱۳۶.

۵. همو، رجال، ۳۷۴؛ برقی، احمد بن محمد، رجال، ۵۷.

گفت که با تأیید امام جواد علیه السلام عملاً احادیث این کتاب از آن حضرت روایت شده است.<sup>۱</sup> به این ترتیب قدمت این دسته از روایات و نقل آن‌ها در دوران حضور ائمه روشن می‌شود؛ در اینجا نیز کلینی صرفاً محتوایی را که در کتابی متعلق به دوران حضور ائمه<sup>۲</sup> وجود داشته، نقل کرده است.

شیخ مفید، روایت یازدهم و دوازدهم را از جناب کلینی نقل کرده است.<sup>۳</sup> نعمانی نیز روایت یازدهم را از مرحوم کلینی آورده است؛ ولی تفاوت‌هایی در سند آن به چشم می‌خورد.<sup>۴</sup> روایت سیزدهم نیز تنها در بصائر الدرجات آمده است.<sup>۵</sup>

### ۳-۱-۳- روایات برگرفته از زواره

این روایات، احادیث ۷، ۱۴ و ۱۶ را در بر می‌گیرد:

			از اصحاب امام رضا <small>علیه السلام</small>	۲۶۳.د	نیمه قرن سوم		
۷	مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى	عَبْدُ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ	الْحَشَّابِ	ابْنِ سَمَاعَةَ	عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ رِبَاطٍ	ابْنِ أُدَيْتَةَ	زُرَّارَةَ امام باقر <small>علیه السلام</small>
۱۴	أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ	الحسين بن عبيد الله	الْحَشَّابِ	ابْنِ سَمَاعَةَ	عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ رِبَاطٍ	ابْنِ أُدَيْتَةَ	زُرَّارَةَ امام باقر <small>علیه السلام</small>
۱۶	الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ	مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ			الْوَشَاءِ	أَبَانَ	زُرَّارَةَ امام باقر <small>علیه السلام</small>

۱. «حدثنا أحمد بن محمد عن الحسن بن العباس بن الحریش قال: عرضت هذا الكتاب على أبي جعفر علیه السلام فأقر به؛ قال: قال أبو عبد الله علیه السلام: قال علي علیه السلام في صبح أول ليلة القدر التي كانت بعد رسول الله صلى الله عليه وآله...». (صفا، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ۲۲۲ و ۲۲۳)؛ و نیز این حدیث: «حدثنا الحسن بن أحمد بن محمد عن أبيه عن الحسن بن عباس بن حریش أنه عرض به على أبي جعفر علیه السلام، فأقر به؛ قال: فقال أبو عبد الله علیه السلام: إن القلب الذي يعاين ما ينزل في ليلة القدر لعظيم الشأن...». (همان، ۲۲۳ و ۲۲۴).

۲. درباره این کتاب و احتمالات پیرامون منشأ آن، رک: مدرسی، سید حسین، میراث مکتوب، ۲۲۶؛ و نیز Ansari, L'héritage ésotérique du chiisme: un livre sur l'exégèse de la sourate ۱۷, p. 97.

۳. مفید، محمد بن نعمان، الإرشاد، ۲/۳۴۵ و ۳۴۶.

۴. نعمانی، محمد بن ابراهیم، ۶۰.

۵. صفا، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ۲۸۰.

روایت هفتم و چهاردهم در حقیقت یک روایت است که تنها تفاوت آن‌ها در درواری اول سند و درذیلی است که در متن حدیث هفتم اضافه تراست.<sup>۱</sup> این روایت را با همین ذیل، صفار در *بصائر الدرجات* به سند خود از حسن بن موسی خُشَّاب (ادامهٔ سند، همان سند کلینی است)<sup>۲</sup> و نعمانی به سند خود از ابان بن عثمان از زرارة<sup>۳</sup> نقل کرده‌اند. اسناد کلینی در روایت هفتم موثق است. علت موثق بودن آن، واقفی بودن ابن سماعة در عین فقاقت و وثاقت است.<sup>۴</sup> حسن بن محمد بن سماعة به سال ۲۶۳ در گذشته است.<sup>۵</sup> برادر بزرگ‌تر وی جعفر نیز واقفی بوده است.<sup>۶</sup> اشکالی که بر این روایت و نیز روایت چهاردهم وارد شده آن است که چگونه ممکن است ابن سماعة که واقفی و متعصب دروقف دانسته شده<sup>۷</sup>، روایاتی دربارهٔ تعداد امامان علیهم‌السلام را نقل کرده باشد؟ گویا این فرضیه، عدم نقل اخبار تعداد امامان علیهم‌السلام از سوی واقفیه را مسلم انگاشته است! حال آنکه واقفیه، تنها به عدم وفات امام کاظم علیه‌السلام و قائم بودن آن حضرت باور داشتند؛ ولی آیا از منظر آنان، امکان ادامهٔ سلسلهٔ امامان، پس از ظهور امام کاظم علیه‌السلام محتمل نبوده است؟ اگر این فرضیه را بتوان اثبات نمود که واقفیان با وجود باور به مهدویت و قائمیت امام کاظم علیه‌السلام، اخبار دوازده امام را نیز نقل می‌کرده‌اند، اشکالی که بر این روایت وارد شده، برطرف خواهد شد.

دلیلی که برای صحت این فرضیه در دست است، روایتی است که شیخ طوسی از کتابی که علی بن احمد علوی در دفاع از عقاید واقفیه نوشته، نقل کرده است.

۱. این افزونه چنین است: «فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ رَاشِدٍ - وَكَانَ أَحَا عَلِيَّ بْنِ الْحُسَيْنِ لِأُمِّهِ - وَانْكَرَ ذَلِكَ، فَصَرَّرَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه‌السلام، وَقَالَ: «أَمَا إِنَّ ابْنَ أُمِّكَ كَانَ أَحَدَهُمْ»».

۲. صفار، محمد بن حسن، همان، ۳۲۰.

۳. نعمانی، محمد بن ابراهیم، همان، ۶۶.

۴. نجاشی، احمد بن علی، همان، ۴۰.

۵. همان، ۴۲.

۶. همان، ۱۱۹.

۷. همان، ۴۲.

این روایت به روشنی نشان می‌دهد که از منظر واقفه، میان باورمند بودن به امامان دوازده‌گانه و قائل بودن به وقف بر امام کاظم علیه السلام یا حتی مهدی دانستن ایشان، سازگاری وجود دارد:

قال أبو عبدالله علیه السلام: «یا سعید! الأئمة اثنا عشر، إذا مضى ستة، فتح الله على السابع ويملك منا أهل البيت خمسة وتطلع الشمس من مغربها على يد السادس»<sup>۱</sup>.

از دیگر قرائن برامکان باور واقفیه به احادیث دوازده امام، حدیثی است که نعمانی درباره دوازده وصی رسول خدا صلی الله علیه و آله از ابن عقده آورده است:

وأخبرنا أبو العباس أحمد بن محمد بن سعید قال: حدثنا حمید بن زیاد من كتابه وقرأته عليه قال: حدثني... مسکن رسول الله صلی الله علیه و آله جنة عدن و هي جنة خلقها الله بيده ومعها فيها اثنا عشر وصيا...<sup>۲</sup>.

آن‌گونه که در سند خبر تصریح شده، این حدیث در کتاب حمید بن زیاد وجود داشته است؛ کسی که بنا بر قول نجاشی، از وجوه واقفیه بوده است<sup>۳</sup>.

بنابراین به نظر می‌آید بین واقفی بودن راوی و باور او به اخبار دوازده امام، به خودی خود، منافاتی وجود نداشته است.

لازم به ذکر است طریق «ابن سماعة عن علی بن الحسن بن رباط» به احتمال قوی، طریق کتاب علی بن حسن بن رباط است<sup>۴</sup> که طرق دیگری نیز داشته است<sup>۵</sup>؛ بنابراین می‌توان احتمال داد که کلینی<sup>۶</sup> طریق ابن سماعة را به دلیل برتری آن به

۱. طوسی، محمد بن حسن، الغيبة، ۵۳.

۲. نعمانی، محمد بن ابراهیم، همان، ۹۹-۱۰۱.

۳. نجاشی، احمد بن علی، همان، ۱۳۲.

۴. همان، ۲۵۱.

۵. طوسی، محمد بن حسن، فهرست، ۲۷۰.

۶. یا محتملا حسن بن موسی خشاب در کتاب الرد علی الواقفه (رک: نجاشی، احمد بن علی، همان، ۴۲) که می‌تواند منبع یکی از این دو نقل الکافی باشد.



جهت نشان دادن اجماعی بودن این روایات میان طوایف مختلف شیعی برگزیده است. همان‌گونه که شیخ صدوق نیز در کمال الدین، حدیثی را درباره خلقت نوری چهارده معصوم از علی بن حسن بن رباط با همین طریق نقل کرده است.<sup>۱</sup>

علاوه بر این، با توجه به اسناد نعمانی در نقل همین حدیث، به احتمال زیاد این خبر (حدیث ۷ و ۱۴) در کتاب علی بن سیف نیز وجود داشته است؛<sup>۲</sup> کتابی که بنا بر قرائنی<sup>۳</sup>، در اختیار کلینی نیز بوده است. در این فرض، کلینی می‌توانسته آن‌ها را از طریق علی بن سیف که توثیق شده نیز، روایت کند؛ اما او در هر دو نقل این حدیث، طریق ابن سماعه را برگزیده است؛ شاید به این دلیل که تنوع راویان این روایات در بین فرقه‌های مختلف شیعی را نشان دهد.

روایت ۱۶ نیز در بردارنده این مضمون است که بعد از امام حسین علیه السلام،<sup>۴</sup> نه امام دیگر از نسل آن حضرت خواهند بود. به احتمال زیاد، منبع نقل این روایت، یکی از کتاب‌های حسن بن علی و شفاء، از اصحاب امام رضا علیه السلام و از چهره‌های برجسته شیعه در زمان خود، بوده است؛<sup>۵</sup> یعنی اگر این روایت جعلی باشد، در زمان امام رضا علیه السلام جعل شده است که تعداد ائمه علیهم السلام در آن زمان، به ۹ نفر نیز نرسیده بود!

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ۲/ ۳۳۶.

۲. سند نعمانی در نقل این حدیث عبارت است از: «أحمد بن محمد بن سعید ابن عقدة الكوفي قال حدثنا يحيى بن زكريا بن شيبان من كتابه سنة ثلاث وسبعين ومائتين قال حدثنا علي بن سيف بن عميرة قال حدثنا أبان بن عثمان عن زرارة» (همان، ۶۶). حال با توجه به اینکه نعمانی<sup>۴</sup> حدیث را با طریق «ابن عقدة عن يحيى بن زكريا بن شيبان عن علي بن سيف» نقل کرده که طریق نقل کتاب علی بن سیف است (رک: نجاشی، احمد بن علی، ۲۷۸، مدخل ۷۲۹)، می‌توان نتیجه گرفت که ظاهراً این حدیث در کتاب او وجود داشته است.

۳. کلینی نیز ۷ حدیث را در الکافی از طریق «احمد بن محمد بن عیسی» از علی بن سیف نقل کرده است؛ با توجه به اینکه «احمد بن محمد بن عیسی» در طریق صدوق به کتاب علی بن سیف قرار داشته است (ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، ۴/ ۴۹۱)؛ بنابراین به احتمال قوی، کلینی نیز به احادیث کتاب علی بن سیف دسترسی داشته است. البته باقی نقل‌های کلینی از علی بن سیف، از طریق سلمه بن خطاب است که احتمالاً برگرفته از کتاب سلمه است.

۴. حسن بن علی الوشاء، صاحب کتاب‌هایی بوده که نجاشی آن‌ها را از یعقوب بن یزید از او روایت

### ۳-۱-۴- روایات برگرفته از ابوبصیر

روایات ۱۵ و ۲۰ از ابوبصیر است:

			نیمه قرن دوم <sup>۱</sup>	۲۱۷.د			
۱۵	علی بن ابراهیم	ابراهیم بن هاشم	ابن ابی عمیر	سعید بن غزوان	ابوبصیر	امام باقر <small>علیه السلام</small>	
			صحابی	امامان رضا و جواد <small>علیهما السلام</small>	صحابی امام صادق و کاظم <small>علیهما السلام</small>		
	مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَى	مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ	عبدالله بن صلّت	عُثْمَانُ بْنُ عِیْسَى	سَمَاعَةَ بْنُ مِهْرَانَ	ابو بصیر	امام باقر <small>علیه السلام</small>
۲۰	أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ					مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرَانَ	امام صادق <small>علیه السلام</small>

روایت پانزدهم از سوی نعمانی<sup>۲</sup>، شیخ مفید<sup>۳</sup> و شیخ طوسی<sup>۴</sup> از مرحوم کلینی روایت

می‌نماید. البته نجاشی کتابی را با عنوان مسائل الرضا علیه السلام از وی نام می‌برد که روایت آن را از طریق أحمد بن محمد بن عیسی اشعری می‌داند (نجاشی، احمد بن علی، همان، ۴۰). شیخ طوسی تنها یک کتاب را به او منسوب می‌کند که طریق آن به أحمد بن محمد بن عیسی می‌رسد (طوسی، محمد بن حسن، رجال، ۳۵۴؛ همو، الفهرست، ۱۳۸). روایات او در الکافی بسیار زیاد و بالغ بر ۵۵۸ طریق است. به غیر از روایاتی که وی در نقل آن‌ها شیخ اجازه محسوب می‌شود، سایر روایات او علی القاعده باید مأخوذ از کتاب‌های وی باشد. راویان از او در الکافی نخست معلی بن محمد البصری با ۴۱۶ طریق و سپس أحمد بن محمد بن عیسی با ۸۰ طریق است. نکته مهم دیگر آن‌که راوی از وشاء در بیشتر روایات الکافی، معلی بن محمد البصری است. نجاشی وی را مضطرب الحدیث و المذهب خوانده است. (نجاشی، احمد بن علی، همان، ۴۱۸) دقت در آثار معلی نشان می‌دهد که وی هیچ تألیف فقهی و در حوزه حلال و حرام نداشته است. (رک: همان و طوسی، محمد بن حسن، فهرست، ۴۶۰) به این ترتیب انبوه روایات فقهی منقول از وشاء که در الکافی آمده است، نمی‌تواند از آثار وی اخذ شده باشد. از این رو با توجه به قرائن قبلی باید کتاب‌های وشاء را در زمره منابع قطعی الکافی جای داد. (رک: قربانی زرین، رضا، بازشناسی منابع الکافی و تأثیر آن بر اعتبار سندی روایات، بخش ۴- ۵۸)

۱. خود و فرزندش صحابی امام صادق علیهما السلام بوده‌اند.

۲. نعمانی، محمد بن ابراهیم، همان، ۹۴.

۳. مفید، محمد بن نعمان، الإرشاد، ۳۴۷/۲.

۴. طوسی، محمد بن حسن، الغیبة، ۱۴۰.

شده است. شیخ صدوق نیز آن را به سند خود از ابن ابی عمیر آورده است.<sup>۱</sup> لازم به ذکر است ابتدای سند این روایت، دقیقاً مطابق است با پرتکرارترین طریقی که کلینی به واسطه آن، روایات کتاب‌های ابن ابی عمیر را نقل می‌کند.<sup>۲</sup> حال با توجه به اینکه راوی کتاب سعید بن غزوان نیز ابن ابی عمیر بوده است<sup>۳</sup>، منبع کلینی در نقل این روایت می‌تواند یا کتاب سعید بن غزوان یا کتاب‌های ابن ابی عمیر باشد<sup>۴</sup> که در هر حال، این دو راوی، حداقل نیم قرن با زمان غیبت فاصله دارند.

روایت بیستم نیز از سوی نعمانی با سندی غیر از سند الکافی از ابوبصیر آمده است.<sup>۵</sup> شیخ صدوق نیز آن را با سندی مشابه با سند جناب کلینی آورده است.<sup>۶</sup> مرحوم صفار نیز این روایت را از عبدالله بن صلت آورده است.<sup>۷</sup> در سند کلینی، نام عثمان بن عیسی آمده است که می‌دانیم ۶۰ سال عمر کرده<sup>۸</sup> و از ابوحمزه ثمالی نیز روایت کرده است.<sup>۹</sup> ابوحمزه ثمالی در سال ۱۵۰ از دنیا رفته<sup>۱۰</sup>، از این رو با فرض حداقل ۲۰ سالگی عثمان در زمان وفات ابوحمزه، سال وفات عثمان قبل از ۱۹۰ به دست می‌آید. از دیگر سووی در شمار وکیلان امام کاظم علیه السلام و از رؤسای واقفیه دانسته شده که البته بنا به قول نجاشی توبه نموده است.<sup>۱۱</sup> در نتیجه وفات وی باید بعد از شهادت امام کاظم علیه السلام به سال ۱۸۳ بوده باشد. طبق منابع فهرستی، وی راوی عمده کتاب‌های سماعة بن مهران بوده است.<sup>۱۲</sup>

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ۳۵۰/۲.

۲. روایات ابن ابی عمیر در الکافی بالغ بر ۲۸۸۰ طریق است. راویان از او به ترتیب ابراهیم بن هاشم با ۲۲۹۱ طریق، فضل بن شاذان با ۲۶۸ طریق، أحمد بن محمد بن عیسی با ۱۶۵ طریق و دیگر راویان هستند.

۳. نجاشی، احمد بن علی، همان، ۱۸۱؛ طوسی، محمد بن حسن، فهرست، ۲۱۹.

۴. رک: قربانی زرین، رضا، همان، بخش ۵-۵، کتب ابن ابی عمیر.

۵. نعمانی، محمد بن ابراهیم، ۸۵.

۶. ابن بابویه، محمد بن علی، همان، ۳۳۵/۲.

۷. صفار، محمد بن حسن، همان، ۳۱۹.

۸. کشی، محمد بن عمر، رجال، ۵۹۸.

۹. همان.

۱۰. نجاشی، احمد بن علی، همان، ۱۱۵.

۱۱. همان، ۳۰۰.

۱۲. همان، ۱۹۴؛ روایات سماعة در الکافی بالغ بر ۴۲۱ طریق است که عثمان بن عیسی با ۲۲۳ طریق، زرعة بن محمد الحضرمی با ۵۵ طریق بیشترین نقل را از او دارند. رک: قربانی زرین، رضا، همان، بخش ۴-۴۹.

حال با توجه به اینکه این کتاب از منابع محتمل الکافی است<sup>۱</sup> و غیر از او و عثمان بن عیسی، از نگاشته‌های دیگر راویان سند الکافی استفاده چندانی نشده است، می‌توان احتمال داد که این روایت برگرفته از کتاب یکی از این دو نفر باشد.

### ۳-۵- سایر روایات

که شامل روایات ۵، ۸، ۱۰ و ۱۹ هستند.

دورویات ۵ و ۸، پرسش و پاسخ یک یهودی از امیرالمؤمنین علیه السلام را گزارش می‌کند که با توجه به نزدیکی متونشان، سند آن‌ها با یکدیگر بررسی می‌شود. سند این روایات بدین شرح است:

				قرن دوم <sup>۲</sup>	نیمه اول قرن سوم	۲۸۰ یا ۲۷۴.د	
۵	عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا	احمد بن محمد بقی	محمد بن خالد	عَبْدُ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ	حِيَاةُ السَّرَاحِ	دَاوُدُ بْنُ سُلَيْمَانَ الْكَسَائِي	أَبِي الطَّفَيْلِ الْأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ
					از اصحاب امام باقر و صادق <small>علیهما السلام</small>	۲۶۲.د	
۸	مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى	ابن ابی الخطاب	افتادگی در سند <sup>۳</sup>	إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي يَحْيَى الْمَدِينِي	أَبِي هَارُونَ الْعَبْدِي	أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِي	أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ <sup>۴</sup>
					مَسْعَدَةَ بْنِ زِيَادٍ	أَبِي عَبْدِ اللَّهِ <small>علیه السلام</small>	

۱. همان.

۲. معاصراً معاوية بن عمار، متوفای ۱۷۵.

۳. میان محمد بن الحسین و ابراهیم بن محمد بن ابی‌یحیی، یک راوی فاصله است که در سند درج نشده است. ابراهیم از روایت کنندگان از امام باقر (۱۱۴) و امام صادق علیهما السلام (۱۴۸) است؛ ابن ابی الخطاب متوفای ۲۶۲ بوده و امکان ملاقات این دو تن منتفی است.

۴. این روایت در الکافی، این‌گونه آمده است: «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ زِيَادٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي يَحْيَى الْمَدِينِي، عَنْ أَبِي هَارُونَ الْعَبْدِي، عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِي، قَالَ: كُنْتُ حَاضِرًا لَمَّا هَلَكَ أَبُو بَكْرٍ وَ اسْتَخْلَفَ عُمَرُ، أَقْبَلَ يَهُودِيٌّ مِنْ عَظَمَاءِ يَهُودٍ يَثْرِبَ... قَامَ إِلَى عَلِيٍّ علیه السلام فَقَالَ: ...»؛ ما دو طریق این روایت را بازسازی کردیم. همچنین باید دانست که الفاظ روایت، مربوط به طریق دوم است، یعنی طریق ابوسعید خُدری، نه طریقی که به امام صادق علیه السلام منتهی می‌شود.

ویژگی مهم این دوروایت، قرارگرفتن محمد بن حسین بن ابی الخطاب و محمد بن خالد برقی در سند آن‌ها است. محمد بن حسین متوفای سال ۲۶۲ است.<sup>۱</sup> محمد بن خالد نیز از اصحاب امام کاظم<sup>۲</sup>، امام رضا<sup>۳</sup> و امام جواد<sup>۴</sup> بوده است. عدم ذکر نام وی در شمار اصحاب دیگر امامان<sup>۵</sup>، نشان دهنده آن است که احتمالاً وفات وی در حدود سال ۲۲۰ رخ داده است. از دیگر سو، محمد بن حسین این روایت را از مسعدة بن زیاد روایت کرده است. مسعدة بن زیاد از اصحاب امامان باقر و صادق<sup>۶</sup> نیز از سوی نجاشی توثیق شده است.<sup>۷</sup> به این ترتیب، تعداد دوازده امام، سال‌ها پیش از آغاز غیبت از سوی بزرگان امامیه روایت شده است.

روایت هشتم را شیخ طوسی در کتاب الغیبة از کلینی نقل کرده است.<sup>۸</sup> روایت پنجم را نیز شیخ صدوق به سند خود از برقی روایت کرده است.<sup>۹</sup> نعمانی نیز آن را با سندی دیگر از ابراهیم بن ابی یحیی آورده است.<sup>۱۰</sup>

روایت ۱۰:

		صحابی امامان صادق تا رضا <small>علیه السلام</small>	زنده در ۲۶۰		
۱۰	عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ	مُحَمَّدُ بْنُ الْفَضْلِ	مُحَمَّدُ بْنُ عِيسَى بْنِ عَبِيدٍ	أَبِي حُمَزَةَ	أَبِي جَعْفَرٍ <small>علیه السلام</small>

محمد بن عیسی بن عبید در شمار اصحاب امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام شمرده

۱. طوسی، محمد بن حسن، رجال، ۴۴۱.

۲. همان، ۳۴۳.

۳. همان، ۳۶۳.

۴. همان، ۳۷۷.

۵. نجاشی، احمد بن علی، همان، ۴۱۵.

۶. طوسی، محمد بن حسن، الغیبة، ۱۵۲.

۷. ابن بابویه، محمد بن علی، همان، ۱/۲۹۹.

۸. نعمانی، محمد بن ابراهیم، همان، ۹۷.

۹. طوسی، محمد بن حسن، رجال، ۳۶۷.

۱۰. نجاشی، احمد بن علی، همان، ۳۳۳.

شده است. برخی گزارش‌ها از زنده بودن وی به سال ۲۶۰ حکایت دارد.<sup>۱</sup> شیخ مفید این روایت را از جناب کلینی آورده است.<sup>۲</sup> شیخ صدوق نیز این روایت را با سند مشابه<sup>۳</sup> و سند دیگری<sup>۴</sup> از محمد بن عیسی بن عبید نقل کرده است.

روایت ۱۹:

	قرن دوم	نیمه اول قرن سوم	د. ۲۵۸	از اصحاب امام جواد تا عسکری <small>علیه السلام</small>		
۱۹	امام صادق <small>علیه السلام</small>	کرام	عَبْدِ اللَّهِ الْأَصَمِّ	مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ شَمُونِ	سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ	عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَمُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ

علی بن محمد علان کلینی، دایی ثقة الاسلام کلینی است که در زمان غیبت صغرا از دنیا رفته است.<sup>۵</sup> این روایت را نعمانی از کلینی آورده است.<sup>۶</sup>

درباره این روایت نیز با توجه به واقفی بودن کرام، اشکالاتی وارد شده است.<sup>۷</sup> همان‌گونه که پیش از این بیان شد، واقفیه الزاماً با تعداد امامان علیهم السلام مشکلی نداشتند؛ اعتقاد آن‌ها، زنده دانستن امام کاظم علیه السلام و عدم باور به امامت امام رضا علیه السلام بوده است، نه چیزی بیش از این! در متن این روایت، برخلاف برخی روایات دیگر که در آن‌ها امام قائم، آخرین امامان علیهم السلام معرفی شده است<sup>۸</sup>، تصریحی بر قائم بودن آخرین امامان وجود ندارد؛ در نتیجه تعارضی با معتقدات واقفیه ندارد.<sup>۹</sup> از دیگر سو، احتمال اخذ

۱. کشی، محمد بن عمر، همان، ۵۳۷ و ۵۳۸.

۲. مفید، محمد بن نعمان، الإرشاد، ۲/۳۴۵.

۳. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، ۲/۴۷۸.

۴. همو، کمال الدین و تمام النعمه، ۱/۳۲۶.

۵. نجاشی، احمد بن علی، همان، ۲۶۱ و ۳۷۷.

۶. نعمانی، محمد بن ابراهیم، همان، ۹۴.

۷. مدرسی، سید حسین، میراث مکتوب شیعه، ۱۸۸.

۸. همانند روایت پانزدهم همین باب از الکافی.

۹. به این ترتیب، اشکالی در نقل این روایت از سوی محمد بن حسن بن شمون نیز که بنا بر قولی

این روایت از کزام، پیش از وقف او نیز وجود دارد.<sup>۱</sup>

### ۳-۲- روایات بیان‌کننده تعداد و نام اجمالی امامان علیهم‌السلام

این دسته شامل روایت چهارم ونهم می‌شود.

روایت ۴:

وفات در غیبت صغرا	وفات در نیمه قرن سوم	وفات در نیمه اول قرن سوم	وفات در قرن دوم	دوره تابعین	صحابی
علی بن ابراهیم	ابراهیم بن هاشم	حماد بن عیسی	ابراهیم بن عمر الیمانی	أبان بن أبی عیاش	عبدالله بن جعفر
محمد بن یحیی	أحمد بن محمد بن عیسی	ابن أبی عمیر	عمر بن أذینة		سلمان، أبوذر، مقداد
علی بن محمد	أحمد بن هلال				رسول الله <small>صلی الله علیه و آله</small>

این روایت که نام امامان تا امام باقر علیه‌السلام را در بردارد، از اصل سلیم بن قیس اتخاذ شده است. مطابق با سند روایت، راویان آن، أبان بن ابی عیاش، ابراهیم بن عمر یمانی و عمر بن أذینة بوده‌اند که در طبقه بعدی، بزرگانی چون حماد بن عیسی و ابن ابی عمیر آن را روایت نموده‌اند. روشن است که ضعف احتمالی در سند این روایت به أبان بازمی‌گردد. نکته مهم آن است که أبان در زمره تابعین بوده و در نیمه اول قرن دوم هجری از دنیا رفته است.<sup>۲</sup> همچنین باید توجه داشت که ضعف راوی لزوماً به معنای جاعل بودن او نیست؛ افزون بر این، حتی در فرض متهم شدن أبان به جعل این کتاب، این جعل نمی‌تواند قریب به عهد غیبت صورت گرفته باشد. طریق نقل حدیث، گویای این نکته است که این اعتقاد (ولو از طریق راوی ای ضعیف) در بین بزرگانی از اصحاب چون عمر بن أذینة، حماد بن عیسی و ابن ابی عمیر رایج بوده است و این

واقفی بوده است (نجاشی، احمد بن علی، همان، ۳۳۵ و ۳۳۶) باقی نمی‌ماند.

۱. رک: نرم افزار درایة النور، ذیل عنوان عبدالله بن عبدالرحمن الأصبم. دیگر اشکال مطرح شده، مربوط به ذکر نشدن بخشی از روایت در باب مربوط به روزه در الکافی (۱۴۱/۴) است که این تقطیع نیز در تناسب با موضوع روزه بوده و ارتباطی با زائد بودن نقل دوازده امام ندارد.

۲. ذهبی، محمد بن احمد، میزان الاعتدال، ۱۴/۱.

مضمون از سوی ایشان برای پسینیان نیز روایت شده است. نعمانی<sup>۱</sup> و شیخ طوسی<sup>۲</sup> هر دو، این روایت را از کلینی نقل کرده‌اند. شیخ طوسی آن را با سند دیگری از ابن ابی عمیر نیز آورده است.<sup>۳</sup> شیخ صدوق آن را با سندهای دیگری از حماد بن عیسی و ابن ابی عمیر روایت کرده است.<sup>۴</sup>

روایت ۹:

			۱۶۰-۱۵۰.د	۲۲۴.د	۲۶۲.د		
۹	مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى	مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ	أَبِي الْجَارُودِ	أَبِي جَعْفَرٍ	أَبِي جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ	فَاطِمَةَ	

حسن بن محبوب، از ثقات و مشاهیر امامیه و صاحب تألیفات مهمی بوده و به سال ۲۲۴ وفات یافته است.<sup>۵</sup> زیاد بن منذر، با کنیه ابوالجارود، از اصحاب امام باقر علیه السلام بوده که از امام صادق علیه السلام نیز روایت نموده است.<sup>۶</sup> وی با خروج زید، از امامیه جدا شد و ظاهراً فرقه‌ای از زیدیه به او منسوب‌اند.<sup>۷</sup> وی بین سال‌های ۱۵۰ تا ۱۶۰ وفات یافته است.<sup>۸</sup> وثاقت وی محل بحث و اختلاف است.<sup>۹</sup> شیخ مفید این روایت را از کلینی آورده است.<sup>۱۰</sup> شیخ صدوق آن را با همین سند<sup>۱۱</sup> و همچنین سندهای دیگری<sup>۱۲</sup> از حسن

۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم، همان، ۹۵.
۲. طوسی، محمد بن حسن، الغیبة، ۱۳۷.
۳. همان.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، ۴۷۷/۲.
۵. طوسی، محمد بن حسن، فهرست، ۱۲۲؛ کثی، محمد بن عمر، همان، ۵۸۴.
۶. نجاشی، احمد بن علی، همان، ۱۷۰.
۷. همان؛ طوسی، محمد بن حسن، فهرست، ۲۰۳.
۸. ابن حجر، احمد بن علی، تهذیب التهذیب، ۳/۳۳۳.
۹. خویی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، ۷/۳۲۴.
۱۰. مفید، محمد بن نعمان، الإرشاد، ۲/۳۴۶.
۱۱. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ۱/۲۶۹.
۱۲. همان، ۳۱۳؛ همو، الخصال، ۲/۴۷۷ و ۴۷۸.



بن محبوب روایت کرده است. گذشته از اینکه کتاب حسن بن محبوب مسلماً از منابع الکافی بوده و طریق «محمد بن یحیی عن محمد بن الحسین عن ابن محبوب» نیز یکی از طرق کلینی برای نقل از کتاب اوست<sup>۱</sup>. طرق مختلف این حدیث تا حسن بن محبوب در دیگر کتاب‌ها، قدمت این خبر و تعلق آن به حوالی نیمه نخست قرن دوم را اثبات می‌کند.

### ۳-۳- روایات بیان‌کننده تعداد و نام تفصیلی امامان علیهم‌السلام

سه روایت نخست باب در این دسته جای می‌گیرند:

			۲۶۱	۲۸۴ یا ۲۷۰.د				
۱	عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا	احمد بن محمد برقی	ابوهاشم جعفری	امام جواد <small>علیه‌السلام</small>				
		۲۹۰.د	۲۸۴ یا ۲۷۰	زنده پس از ۲۵۴				
۲	مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى	صفار	احمد بن محمد برقی	ابوهاشم جعفری	امام جواد <small>علیه‌السلام</small>			
		زنده در ۲۹۵	زنده پس از ۲۵۴	وفات قبل از ۲۲۰				
۳	مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ	عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ	الْحَسَنُ بْنُ ظَرِيفٍ	بَكْرُ بْنُ صَالِحٍ	عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ سَالِمٍ	أَبِي بَصِيرٍ	امام صادق <small>علیه‌السلام</small>	
	وفات در غیبت صغرا	زنده پس از ۲۵۴	وفات قبل از ۲۲۰					
۳	عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ	صَالِحُ بْنُ أَبِي حَمَّادٍ	بَكْرُ بْنُ صَالِحٍ	عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ سَالِمٍ	أَبِي بَصِيرٍ	امام صادق <small>علیه‌السلام</small>		

روایت اول و دوم که متن مشترکی دارند، با سند صحیح از امام جواد علیه‌السلام روایت شده‌اند. نکته قابل توجه در این بین، تصریح صفار به سماع این روایات، ده سال قبل از حیرت است.<sup>۲</sup> مشهورترین قول درباره حیرت، حیرت عمومی شیعیان در پی شهادت

۱. رک: قربانی زرین، رضا، همان، بخش ۵- ۱، کتب حسن بن محبوب.

۲. قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى فَقُلْتُ لِمُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ يَا أَبَا جَعْفَرٍ وَدِدْتُ أَنْ هَذَا الْخَبْرَ جَاءَ مِنْ غَيْرِ جِهَةٍ أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ فَقَالَ لَقَدْ حَدَّثَنِي قَبْلَ الْحَيْرَةِ بَعْشَرِ سِنِينَ (کلینی، محمد بن یعقوب،

همان، ۱/۵۲۷ و ۵۲۸)

امام حسن عسکری علیه السلام به سال ۲۶۰ است.<sup>۱</sup> به این ترتیب، برقی این روایت را حدود سال ۲۵۰ برای صقار روایت کرده است. سال سماع این روایت از ابوهاشم جعفری مشخص نیست.

در روایت سوم نیز سند روایت تا بکر بن صالح، صحیح و مورد اعتماد است. بکر بن صالح با عبارت «ضعیف» از سوی نجاشی تضعیف شده است.<sup>۲</sup> در رجال منسوب به ابن غضائری نیز وی با عبارت «ضعیف جدا کثیر التفرّد بالغرائب» تضعیف شده است.<sup>۳</sup> به این ترتیب نخستین تضعیف در این سند، درباره بکر بن صالح است. بکر بن صالح در زمره راویان از امام کاظم علیه السلام بوده است.<sup>۴</sup> وی را از مجموعه راویان از امام رضا علیه السلام نیز نام برده اند؛<sup>۵</sup> هر چند با توجه به روایات او، وی باید زمان امام جواد علیه السلام را نیز درک کرده باشد.<sup>۶</sup> با توجه به عدم یادکرد از او در زمره اصحاب امامان بعدی، وفات او باید در زمان امام جواد علیه السلام یا اندکی پس از آن رخ داده باشد. به این ترتیب، انتقال این روایت از بکر بن صالح به حسن بن ظریف باید حداکثر در زمان امامت امام جواد علیه السلام اتفاق افتاده باشد. با توجه به تصریح این اخبار به اسامی امامان و نقل آن‌ها در دوران قبل از غیبت، جای این سؤال وجود دارد که حتی در فرض ضعف بکر بن صالح یا راویان پیش از او چون عبدالرحمان بن سالم، چگونه آن‌ها قادر به جعل این روایت بوده و به عنوان مثال، پیش بینی امامت امام حسن عسکری علیه السلام را نموده اند؟<sup>۷</sup>

این روایات در دیگر مصادر نیز نقل شده است. روایت اول را شیخ طوسی از الکافی نقل

۱. خوبی، سید ابوالقاسم، همان، ۲، ۲۶۵ و ۲۶۶.

۲. نجاشی، احمد بن علی، همان، ۱۰۹.

۳. ابن غضائری، احمد بن حسین، رجال، ۴۴.

۴. نجاشی، احمد بن علی، همان.

۵. طوسی، محمد بن حسن، رجال، ۳۵۳.

۶. رک: کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۳۵۲/۴؛ ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ۳۵۳/۲.

۷. این دیدگاه برگرفته از آقای سید ثامر هاشم در کتاب در انتظار ققنوس است.

کرده است.<sup>۱</sup> نعمانی نیز در کتاب الغیبة، حدیث مذکور را از برقی روایت نموده است؛<sup>۲</sup> اما متن روایت، مفصل تر از متن موجود در الکافی است که نشان دهنده دست یابی نعمانی به طریقی دیگر از این حدیث است. شیخ صدوق نیز متن مشابهی را از برقی به سند خود روایت کرده است.<sup>۳</sup> روایت دوم که طریقی دیگر برای روایت اول است، تنها در الکافی آمده است. روایت سوم از سوی نعمانی با سند خود از بکر بن صالح روایت شده است.<sup>۴</sup> سال سماع این روایت از سوی نعمانی، سال ۳۱۳ ثبت شده است که احتمالاً پیش از دست یابی وی به الکافی است. این روایت با اسانید متعدد از بکر بن صالح روایت شده است.<sup>۵</sup> ادغام طرق موازی در بکر بن صالح که به هنگام نقل سند این حدیث در منابع گوناگون دیده می شود،<sup>۶</sup> می تواند نشانگر نقل از کتاب بکر باشد.<sup>۷</sup>

### نتیجه گیری

دقت در اسناد کتاب الکافی، برخی منابع متقدم حاوی اخبار دوازده امام را معرفی می کند. عموم این منابع، در دورانی نوشته شده اند که از لحاظ تاریخی، هنوز مصادیق خارجی دوازده امام معین نشده بود؛ از این رو، انگیزه ای برای جعل آن ها وجود نداشته است. این کتاب ها که بعضاً دارای طرق نقل متعدد بوده اند، در زمان مرحوم کلینی رواج داشته اند و وی از بین آن ها، اخباری را برگزیده است. هر چند به علت وجود برخی

۱. طوسی، محمد بن حسن، الغیبة، ۱۵۴.

۲. نعمانی، محمد بن ابراهیم، همان، ۵۸.

۳. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ۳۱۳/۱.

۴. نعمانی، محمد بن ابراهیم، همان، ۶۲.

۵. ابن بابویه، محمد بن علی، همان، ۳۰۸/۱.

۶. مانند نقل صدوق در عیون أخبار الرضا علیه السلام (۴۲/۱) که در سند این حدیث، سه طریق را به بکر بن صالح رسانده است.

۷. به خصوص که به گزارش نجاشی (همان، ۱۰۹)، این کتاب دچار اختلاف نسخه شده بوده و تأکید محدثین بعدی بر ذکر طرق مختلف نقل آن، می تواند قرینه ای دیگر بر نقل از نسخه های مختلف کتاب اوویکسانی نقل این نسخ باشد.

راویان ضعیف در طرق نقل این کتاب‌ها، با نگاه رجالی صرف، این روایات ضعیف قلمداد می‌شوند، اما باید توجه داشت که مطابق آنچه بیان شد، تمامی این راویان ضعیف در دورانی زیسته و از دنیا رفته‌اند که جعل اخبار دوازده امام برای آن‌ها نفعی نداشته است. از این رو مرحوم کلینی با اخباری مواجه بوده که سال‌ها پیش از غیبت، توسط اصحاب امامان نقل شده بود. در طرق این اخبار، راویانی نیز وجود داشتند که متعلق به فرقه‌های دیگر بودند؛ این امر نه تنها از ارزش این روایات در منظر کلینی نمی‌کاست که بدان‌ها ارزشی مضاعف نیز می‌بخشید! چراکه مدلول این اخبار در زمان نقل آن‌ها، با باورهای برخی از این راویان که به فرقه‌هایی چون واقفیه و فطحیه منسوب بودند، ناسازگاری نداشته و پس از کامل شدن دوازده امام در فرقه امامیه، می‌توانست کارکردی احتجاجی نیز داشته باشد؛ بنابراین محتمل است که امثال کلینی و نعمانی، این اسناد را به عمد گزینش کرده و در آثار خود نقل کرده باشند.

مطابق با اسناد الکافی، راویان ثقه احادیث دوازده امام را در هرم زیر می‌توان جای داد که هر لایه آن، یک طبقه را نشان می‌دهد:

۱- محمد بن یحیی - علی بن ابراهیم - علی بن محمد علان کلینی - محمد بن حسن طائی - ابوعلی اشعری - محمد بن جعفر اُسدی

۲- محمد بن حسن صفار - ابراهیم بن هاشم - محمد بن حسین بن ابی الخطاب - أحمد بن محمد بن عیسی - أحمد بن محمد بن خالد برقی - عبدالله بن محمد بن عیسی - محمد بن أحمد بن یحیی - عبدالله بن جعفر - ابوهاشم جعفری - حسن بن محمد بن سماعة

۳- حسن بن محبوب - عبدالله بن صلت - ابن ابی عمیر - حسن بن موسی خَشَّاب - محمد بن خالد برقی - عباد بن یعقوب رواجنی - حسن بن ظریف - علی بن حسن بن رباط

۴- عمر بن اذینة - سعید بن غزوان - عمرو بن ثابت

۵- ابوحمره ثمالی - ابوبصیر - زراره - ابوالجارود

در این مجموعه، مشایخ مستقیم کلینی و راویانی آورده شده‌اند که با سندی صحیح

به کلینی متصل شده باشند. مشاهده می‌شود که اخبار دوازده امام، از روایانی در نیمه قرن دوم به بعد به صورت مسلم روایت شده است. از این رو نباید در اطلاع خواص اصحاب ائمه از شمار امامان تردیدی رواداشت. در این بین، روایانی که نام امامان علیهم‌السلام را نیز روایت نموده‌اند با زیرخط مشخص شده‌اند. این امر حاکی از در اختیار بودن فهرست نام امامان علیهم‌السلام از اوایل قرن سوم نزد برخی ثقات امامیه است.

از دیگر سوی، همان‌طور که دیدیم، بسیاری از روایات باب، یا مستقیماً از سوی مؤلفان بعدی، از کلینی روایت شده‌اند یا با اسانیدی مستقل نقل شده‌اند که نشان از اتقان این روایات و اصالت آن‌ها دارد؛ چرا که حلقه مشترک اسندهای متفاوت این روایات، نهایتاً تا قبل از غیبت می‌زیسته‌اند؛ زمانی که قاعدتاً امکان پیش‌بینی تعداد امامان به‌طور دقیق، وجود نداشته است.

---

۱. این اصطلاح در پارادیم حدیث پژوهی غربی استفاده می‌شود و اینجا بر مبنای نگاه غربیان به حدیث اسلامی استفاده شده است.

- ابن بابويه، محمد بن علی، الخصال، جامعه مدرسين، قم، ۱۳۶۲.
- \_\_\_\_\_، عيون أخبار الرضا عليه السلام، نشر جهان، تهران، ۱۳۷۸.
- \_\_\_\_\_، من لا يحضره الفقيه، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۳ ق.
- \_\_\_\_\_، کمال الدین و تمام النعمة، دارالکتب الإسلامية، تهران، ۱۳۹۵ ق.
- الویری، محسن، نقد نظریه ای در پیدایش شیعه اثناعشری، دین و ارتباطات، شماره ۲، زمستان ۱۳۷۴.
- صفار، محمد بن الحسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، قم، ۱۴۰۴ ق.
- ابن حبان، محمد، کتاب المجروحین، دار البارز، مکه، بی تا.
- ابن حجر، احمد بن علی، تقریب التهذیب، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۵ ق.
- \_\_\_\_\_، تهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۴ ق.
- ابن غضائری، أحمد بن الحسن، الرجال، دارالحديث، قم، ۱۳۶۴.
- ابوالصلاح الحلبي، تقی بن نجم، تقریب المعارف، ۱ جلد، الهادی - قم، ۱۴۰۴ ق.
- اصفهانى، علی بن حسین (ابوالفرج)، مقاتل الطالبیین، نجف: المکتبة الحیدریة، ۱۳۸۵ ق.
- باجی، سلیمان بن خلف، التعديل والتجريح، وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية، مراکش، بی تا.
- برقی، احمد بن محمد، کتاب الرجال، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۲.
- خویی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحديث وتفصیل طبقات الرواة، مرکز نشر آثار شیعه، قم، ۱۴۱۰ ق.
- ذهبی، محمد بن أحمد، تذکرة الحفاظ، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
- \_\_\_\_\_، سیر اعلام النبلاء، مؤسسة الرسالة، بیروت، ۱۴۱۳ ق.
- \_\_\_\_\_، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، بیروت: دارالمعرفة، ۱۹۶۳ م.
- سلطانی، محمد علی، تأملی در باب حجّت اصول «الکافی»، مجموعه مقالات فارسی کنگره بین المللی ثقة الاسلام کلینی، ج ۵: (مباحث فقه الحدیثی)، دارالحدیث با همکاری سازمان اوقاف و امور خیریه، قم، ۱۳۸۷.
- شبییری، سید محمد جواد، الکاتب النعمانی و کتابه الغیبة، علوم الحدیث، ش ۳.
- طوسی، محمد بن الحسن، الغیبة / کتاب الغیبة للحجة، ۱ جلد، دارالمعارف الإسلامية - ایران؛ قم، ۱۴۱۱ ق.
- \_\_\_\_\_، رجال، مؤسسة النشر الإسلامي، قم، ۱۳۷۳.

\_\_\_\_\_، فهرست كتب الشيعة وأصولهم وأسماء المصنفين وأصحاب الأصول، ستاره، قم، ۱۴۲۰ ق.

عده ای از علماء، الأصول الستة عشر، مؤسسة دار الحديث الثقافية، قم، ۱۴۲۳ ق.

العمیدی، سید هاشم ثامر، المهدی المنتظر فی الفكر الاسلامی، مركز الرساله، قم.  
قربانی زرین، رضا، بازشناسی منابع کافی و تأثیر آن بر اعتبار سندی روایات، پایان نامه ارشد، دانشگاه تهران، تابستان ۱۳۸۸.

کشی، محمد بن عمر، رجال، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، مشهد، ۱۴۰۹ ق.

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دار الحديث، قم، ۱۴۲۹ ق.

\_\_\_\_\_، الکافی، دارالکتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۷ ق.

کولبرگ، اتان، الأصول الأربعمئة (اصل های چهار صدگانه)، ترجمه محمد کاظم رحمتی، علوم حدیث، شماره ۱۷، پاییز ۱۳۷۹.

\_\_\_\_\_، از امامیه تا اثناعشریه، ترجمه محسن الویری، دین و ارتباطات، شماره ۲، زمستان ۱۳۷۴.

مدرسی، سید حسین، مکتب در فرآیند تکامل، ترجمه هاشم ایزدپناه، نیوجرسی - ایالات متحده: مؤسسه انتشارات داروین، ۱۳۷۴

\_\_\_\_\_، میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، مورخ، قم، ۱۳۸۶

مفید، محمد بن نعمان، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، المؤتمر العالمی لألفية الشيخ المفید، قم، ۱۴۱۳ ق.

نجاشی، أحمد بن علی، رجال النجاشی، مؤسسة النشر الإسلامی، قم، ۱۳۶۵

نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة، نشر صدوق، تهران، ۱۳۹۷ ق.

نیومن، آندر جی، دوره شکل گیری تشیع دوازده امامی، شیعه شناسی، قم، ۱۳۸۶.

نرم افزار درایة النور، نسخه ۱، ۲، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، قم.

Ansari, Hassan, L'héritage ésotérique du chiisme: un livre sur l'exégèse de la sourate 97, Arabica, 58 (2011), pp. 7 - 18.

## دراسة حول مقدمة أحاديث الأئمة الاثني عشر في كتاب الكافي

رضا قرباني زرين<sup>١</sup>

٢٩٤

### الخلاصة:

أورد ثقة الإسلام الكليني عشرين حديثاً تتضمن وجود الأئمة الاثني عشر بعد النبي الأكرم في باب (ما جاء في الاثني عشر والنص عليهم) من كتاب الكافي، وقد شكك بعض المعاصرين في هذه الأخبار ونسبتها، فأثبتت هذه المقالة صحة نسبة الباب إلى كتاب الكافي، ثم أثبتت - بالبحث عن أحوال الرواة الذين لوجودهم ضعفت هذه الأخبار بملاحظة طبقتهم - أن هذه الروايات نقلت قبل عصر الغيبة؛ وعلى فرض صحة ضعف الرواة لا يمكن التشكيك في محتوى هذه الروايات.

المفردات الأساسية: أحاديث الأئمة الاثني عشر، الأئمة الاثني عشر، الكافي، الكليني، النعماني، الواقفة.

١. دكتوراه في علوم القرآن والحديث من جامعة طهران ghorbaniz@yahoo.com



## Authenticity of Traditions Concerning the Twelve Imams in al-Kāfi

Reza Qorbani Zarrin<sup>1</sup>

### Abstract

There are 20 hadiths narrated by Muhammad ibn Ya'qub al-Kulayni (329 AH/ 941 CE) which indicate to the arrival of twelve Imams as the successors of the Holy Prophet, recorded in a chapter of al-Kāfi entitled as "What Have Been Narrated about Twelve Imams and Their Names". The authenticity of these traditions, however, has been questioned by some contemporary writers. This study, first, examine the authenticity of authorship of the whole chapter, by comparing these 20 hadiths with the parallel narration in Kitab al-Ghayba by al-Nu'mānī and then, tries to demonstrate that despite the alleged weakness of some narrators in the chain of these hadiths, most of these hadiths have been recorded before the beginning of Occultation period. As a result, even if the weakness of transmitters is accepted, the content of these narrations cannot be easily rejected or be taken as falsified or forged.

**Keywords:** Hadith, al-Kāfi, al-Kulayni, Nu'mānī, Seveners (Waqīfa), Twelve Imams.

---

1. Ph.D., University of Tehran (ghorbaniz@yahoo.com).